

# تحلیل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از بیانیه اخیر رئیس جمهور آمریکا

**گروه سیاسی:** سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران روز گذشته در بیانیه‌ای به تحلیل و اعلام موضع درباره اظهارات اخیر «جورج دبلیو بوش» پرداخت. بوش دو هفته پیش دیدگاه‌های هیأت حاکمه آمریکا را درباره تحولات و کشمکش‌های داخلی ایران ارائه کرده بود که با واکنش مقامات ارشد ایران روبه‌رو شد و در اعتراض به آن راهبیمای‌هایی نیز انجام شد. متن بیانیه سازمان که روز گذشته نسخه‌ای از آن به «نوروز» ارسال شد بدین شرح است:

ملت شریف و آگاه، مسؤولان محترم جمهوری اسلامی ایران!

تاریخ روابط ایران و آمریکا طی سالیهای پس از انقلاب فراز و نشیب‌های فراوانی را شاهد بوده است. از توسل به زور و رویارویی نظامی و محاصره اقتصادی تا تحركات سیاسی- تبلیغاتی خصمانه و تا مبادله پیام‌ها و تلاش برای تنش زدایی و کاهش تنش‌ها، و کاهش تنش‌ها، و محتوای پرونده روابط دو کشور طی سال‌های گذشته را تشکیل می‌دهد. در تمام این مدت مواضع و عملکرد آمریکا در قبال ایران از قاعده مشخصی پیروی کرده است.

این حقیقت دارد که انقلاب اسلامی ایران، با سرنگونی مهمترین پایه‌ها و رژیم متحد آمریکا در منطقه خاورمیانه، از سوی این کشور به عنوان تهدیدی علیه منافع سیاسی تلقی گردید هر چند جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظامی مستقل و برآمده از انقلابی مردمی نمی‌تواند منافع و مصالحی همسو با اهداف منطقه‌ای آمریکا داشته باشد. معضله این واقعیت هرگز نمی‌تواند تحولات آشکار مواضع آمریکا در قبال ایران طی سال‌های اخیر را به روشنی توضیح دهد.

تجربه گذشته حاکی از آن است که میان مواضع آمریکا و موقعیت بین‌المللی این کشور از یک سو و شرایط داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر همبستگی و ارتباط کاملی و جد دارد و به تناسبات تغییراتی که در این دو مؤلفه پدید آمده، مواضع آمریکا نیز دستخوش تغییر شده است. بدین معنا که هر زمان آمریکا موقعیت خویش را در جهان مستحکم و متقابلاً وجهه بین‌المللی ایران را ضعیف یافته مواضع خشن‌تر و خصمانه‌تری اتخاذ کرده و در این مسیر از فشارهای سیاسی و اقتصادی تا توسل به زور و تهدید نظامی پیش رفته است و هر زمان نیز جمهوری اسلامی ایران توانسته است با اتخاذ سیاست‌های خردمندانه موقعیت جهانی خود را از تقابله شدن و در درون نیز بر ضریب مشارکت مردم و مشروعیت مردمی نظام بیفزاید، ناامید از

سرنگونی و فروپاشی، خود را ملزم به اعتراف به موجودیت نظام و مواجهه‌ای برابر حقوق با آن یافته است. از سوی دیگر همواره در میان دولتمردان آمریکا رویکردهای متفاوت در قبال مسأله ایران وجود داشته است و هر زمان متناسب با وضعیت داخلی و خارجی دو کشور یکی از رویکردهای مذکور، سمت و سوی دیپلماسی خارجی آمریکا در برابر ایران را مشخص کرده است.

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر آمریکا با بهره‌گیری از فضای روانی-سیاسی ناشی از این حادثه در موقعیت بین‌المللی ویژه و برتری قرار گرفت که هرگز قدرتی در جهان بدان دست نیافته است. در چنین شرایطی تحقق اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی با شتاب هر چه بیشتر در دستور کار دولتمردان آمریکا قرار گرفت. پیروزی آمریکا در افغانستان بر شتاب آمریکا برای استفاده کامل و سریع از فرصت مغتنم پدید آمده، که ممکن بود دیگر تکرار نشود، افزود و موقعیت طرفداران توسل به زور در قبال مواضع فراوی مؤلفه‌های منطقه‌ای، استراتژی تحقق نظم نظم جهانی به رهبری آمریکا را، در میان دولتمردان این کشور تقویت کرد. سخنان رئیس جمهور آمریکا در دهم ژانویه ۲۰۰۲ (۲۰م دی ماه ۱۳۸۰)، خطاب به مسؤولان و اعضای هیأت حاکمه این کشور، مبنی بر محور شرارت خواندن ایران و تهدید نظامی علیه جمهوری اسلامی را باید ناشی از این واقعیت دانست. طرح استراتژی بازدارندگی سیاسی از سوی اصلاح‌طلبان و تأکید بر از بین بردن زمینه هرگونه بهانه‌جویی آمریکا علیه ایران، که در شعار مهم و تأثیرگذار رئیس جمهوری ایران مبنی بر اختلاف برای صلح در برابر اختلاف برای جنگ تجلی یافت، بردامنه اعتراضات و واکنش‌های منفی بین‌المللی نسبت به سخنان رئیس جمهور آمریکا، افزود و بر پای دولت‌های اروپایی ژاپن و روسیه را برای مخالفت با مواضع جنگ‌طلبانه‌ی افزایش داد. مجموعه اقدامات دیپلماتیک و واکنش‌های مزبور، کارآمدی استراتژی توسل به زور علیه کشورهایی چون ایران و امکان همراهی بین‌المللی با دولت آمریکا را به شدت زیر سؤال برد و زمینه را برای تقویت نگرش‌ها و رویکردهای سیاسی، در میان هیأت حاکمه آمریکا فراهم آورد.

بیانیه اخیر رئیس جمهور آمریکا حاکی از آن است که احتمالاً آمریکا در پی مواضع مناسب و مؤثر ایران و مخالفت متحدانش در استراتژی برخورد نظامی با ایران تجدید نظر کرده و راهبرد سیاسی تضعیف موقعیت بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران و تغییر از

درون را در دستور کار قرار داده است، لذا بیانیه اخیر جورج بوش هر چند حاوی برخی مواضع نامطلوب از نظر ماست، اما نشانه توفیق طرح بازدارندگی سیاسی برپایه ائتلاف جهانی برای صلح و عدالت است. آنچه باید مطلوب جمهوری اسلامی ایران باشد، پذیرش موجودیت انقلاب و نظام از سوی آمریکا و آمادگی برای تنش زدایی و کاستن از دشواری اعتمادی برای حل مشکلات میان دو کشور است. بیانیه اخیر رئیس جمهور آمریکا و تغییر احتمالی در مواضع آن دولت نسبت به ایران و جایگزینی «راهبرد سیاسی به جای راهبرد نظامی» بیانگر این واقعیت است که با اتخاذ سیاست‌های مدبرانه و استفاده خردمندانه از شرایط بین‌المللی می‌توان آمریکا را ناگزیر از اتخاذ سیاست‌های واقع‌بینانه کرد.

البته چنین فرصتی یکبار پس از حماسه دوم خرداد موجب ارتقای موقعیت بین‌المللی ایران گردید و در پی ابتکار رئیس جمهور محترم در سخن گفتن با مردم آمریکا و طرح گفت‌وگو علیه تمدن فاقه‌های آمریکا بحث تأثیر فضای بین‌المللی و افکار عمومی جهانی و داخلی خود، که به شدت به نفع ایران تغییر کرده بود و نیز افزایش مشروعیت مردمی جمهوری اسلامی ناشی از حرکت اصلاحی ناگزیر از تجدید نظر در سیاست‌های خصمانه خود علیه ایران و پذیرش انقلاب اسلامی و موجودیت نظام و عذرخواهی صریح از دخالت‌های گذشته خود به ویژه در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، گردید و آمادگی خود را برای گفت‌وگوی بی‌قید و شرط با ایران اعلام کرد. متناسباً این فرصت مغتنم با برخورداری غیر منتظمی و رفتارها و تصمیمات مغایر با منافع ملی در دست رفت.

اکنون و در شرایط پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و حضور برقدار سیاسی نظامی آمریکا در منطقه به لایلی که ذکر شد، ظاهر آشاهد تغییر رویکرد آمریکا از مواجهه نظامی به رویارویی سیاسی هستمیت، تغییری که در صورت تاووم باید با اتخاذ مواضعی خردمندانه از این مواجهه شد. از نظامی مردمی و مدعی عقلانیت و مدنیت انتظار این است با درک صحیح و عمیق مناسبات جهان امروز و تحولات سیاسی، مواضع خود را تنظیم و منافع و مصالح ملی خویش را با اتخاذ سیاست‌های متناسب با تحولات جدید، تضمین کند. اتخاذ مواضعی حاکی از تأخیر فاز و عقب ماندن از شرایط و تحولات سیاسی شایسته چنین نظامی نیست. از این منظر بیانیه متناسب به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در روزهای اخیر منتشر شده قابل تأمل است. در بیانیه مذکور علیرغم

شواهد و قرائین موجود در بیانیه رئیس جمهور آمریکا پرخطر حمله نظامی آمریکا علیه ایران تأکید و بدان هشدار داده شده است. انذار و هشداریه که پس از سخنان سابق جورج بوش که ایران را محور شرارت خواند و تهدید به حمله نظامی کرد هرگز داده نشد. تغییر مواضع آمریکا در مقابل ایران از سخنان دهم ژانویه ۲۰۰۲ رئیس جمهوری آمریکا تا بیانیه اخیر و بیانگر این حقیقت است که چگونگی موضوع هر یک از دو کشور تابع اراده یک طرف نیست، بلکه ما با بهره‌مندی از توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود قادر به اداره بحران فیما بین و تأثیرگذاری بر مواضع طرف مقابل هستیم.

خطاب قرار دادن افکار عمومی داخلی ایران از سوی رئیس جمهوری آمریکا هر چند از نظر ما نامطلوب است، ولی برای دو دولتی که تا مرحله رویارویی نظامی پیش رفته‌اند، طبیعی است برای تحت فشار قراردادن طرف مقابل افکار عمومی یکدیگر را مخاطب قرار دهند. ما نیز بارها از جمله در مصاحبه آقای خاتمی با شبکه تلویزیونی CNN، با ملت آمریکا سخن گفته‌ایم. این واکنش خردمندانه و عاقلانه، در کاهش زمینه‌های تأثیرپذیری افکار عمومی داخلی است که ناکارآمدی راهبرد جدید در مقابل ایران را نیز همچون راهبرد توسل به زور به اثبات رسانده و آمریکا را وادار به تغییر مجدد در روش‌هایش خواهد کرد. بنابراین حتی اگر بیانیه اخیر رئیس جمهور آمریکا را حمل بر تغییر روش آمریکا از بی‌پایه نکنیم، باز هم باید اذعان داشت که مصون‌سازی افکار عمومی داخلی در برابر آمریکا تنها از طریق اتخاذ مجموعه‌ای از سیاست‌ها و اقدامات در جهت تضمین آزادی‌های مشروع و قانونی، محترم دانستن حق مشارکت و نظارت نهادینه و آگاهانه عمومی در اداره امور خویش، رفع تضییقات غیرقانونی و پایان دادن به روندهای خطا و پررهنمای نظیر توقیف گسترده مطبوعات، محاکمه و بازداشت و حبس نویسندگان و روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی و نیز کاهش مشکلات اقتصادی و معیشتی و در نتیجه کاهش نارضایتی‌ها و بی‌اعتمادی‌ها و سرخوردگی‌ها و افزایش روح همبستگی و مشارکت ملی و احساس امید به آینده در میان ملت، امکانپذیر است. کاری که در دوم خرداد ۱۶ اتفاق افتاد و تهدید آمریکا را، حداقل در آن مقطع، متوقف کرد. ما با اتکا به چنین اقداماتی در داخل است که می‌توان حضوری مقتدرانه و تأثیرگذار در سطح جهانی داشت و آمریکا را به تجدید نظر در راهبرد جدید و رفتاری درخور یک نظام مستقل، مقتدر، مردم‌سالار و با ثبات قانع ساخت.